

خبر

ادامه حملات موشکی از غزه به اسرائیل

● شبکه خبری الجزیره بـه نقل از ارتش

اسرائیل اعلام کرد که مقاومت فلسطین شش

راکت از شمال نوار غزه به سمت شهر اشغالی

«سدیروت» و دیگر نواحی مجاور شلیک کرده

است.

به گزارش ایسنا، ارتش اسرائیل گفته که سامانه کنبد آهنین از این تعداد یک موشک را رهگیری و منهدم کرده است. شبکه عربی ۲۱ نیز گزارش داد که سخنگوی ارتش اسرائیل شامگاه شنبه اعلام کرد دست‌کم یک موشک در شهرک‌های اطراف نوار غزه سقوط کرده است. این حمله را چند ساعت پس از تهدیدهای بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر و بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل صورت گرفت. سخنگوی ارتش اسرائیل گفت: «در پی فعال‌شدن آذیرهای خطر در شهرک سدیروت، یک موشک از نوار غزه پرتاب شد».

به همین راستا، پایگاه خبری عبری‌زبان «مفراز درومی» اعلام کرد که از آغاز دور جدید تنش و درگیری‌ها در نوار غزه تاکنون، حدود ۴۰ موشک و راکت از غزه به سمت اراضی اشغالی شلیک شده است.

بنیامین نتانیاو شنبه‌شب گفت که اسرائیل «آماده هر سناریویی در نوار غزه است» و افزود: «ما بیش از هر چیز می‌خواهیم از نظم و قانون در اورشلیم اطمینان حاصل کنیم».

بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل نیز گفت که ارتش اسرائیل آمادگی لازم برای تشدید جنگ با نوار غزه را دارد. او تهدید کرد که در صورت ادامه ناآرامی و تشدید تنش ارتش اسرائیل به نوار غزه در سطوح غیرنظامی، اقتصادی و امنیتی آسیب خواهد زد. گانتس در جریان مشارکت در نشست امنیتی با حضور نتانیاو تأکید کرد که «اگر آرامش در جنوب حفظ نشود، غزه در سطح مدنی، اقتصادی و امنیتی به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت».

نخست‌وزیر ارمنستان استعفا داد

● نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان اعلام کرد که از سمت خود استعفا داده اما تا برپایی انتخابات زودرس پارلمانی به صورت موقت اداره امور را بر عهده خواهد گرفت. انتخابات زودرس پارلمانی در ارمنستان که پاشینیان پیش‌تر مردم کشورش را به شرکت در آن تشویق کرده بود قرار است ماه ژوئن با هدف خارج‌کردن این کشور از بن‌بست سیاسی موجود برگزار شود.

نیکول پاشینیان با انتشار پیامی در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: «من پیش از برپایی انتخابات، امروز از سمت خود به‌عنوان نخست‌وزیر استعفا می‌دهم». در پی اعلام استعفای نخست‌وزیر ارمنستان طبق قوانین جاری در این کشور کلیه اعضای کابینه او نیز یک به یک استعفا دادند.

ارمنستان پس از متحمل‌شدن شکستی تحقیرآمیز در جریان رویارویی نظامی پاییز سال گذشته میلادی با آذربایجان بر سر منطقه ترخ‌ک که بیش از دو دهه تحت کنترل تجزیه‌طلبان حریص حمایت ایران قرار داشت، با یک بحران سیاسی عمیق روبه‌رو شده است. نبرد خونین شش‌هفته‌ای میان دو کشور که سرانجام نوامبر ۲۰۲۰ پس از به‌جای‌گذاشتن شش هزار کشته با میانجیگری روسیه به واسطه یک توافق آتش‌بس به امضای پاشینیان و دادن امتیازهایی از سوی ایران پایان یافت، دولت حاکم بر ارمنستان را به‌شدت از سوی مخالفان تحت فشار قرار داد.

جمهوری آذربایجان که تا پیش از توافق آتش‌بس دست‌کم یک‌سوم از سرزمین‌های قریب‌و‌غار را به خاک خود بازگردانده بود با امتیازهای زیادی که زیر سایه موفقیت‌های نظامی و به واسطه توافق ترک محاصره به دست آورد، بخش‌های دیگری از شهرهای این منطقه را به خاک خود بازگرداند. مخالفان طی پنج ماه گذشته بارها به خیابان آمده و ضمن یورش به ساختمان‌های دولتی خواستار استعفا نیکول پاشینیان شده‌اند.

به‌رسمیت‌شناختن نسل‌کشی ارمنه از سوی دولت آمریکا، رابطه پرتنش واشنگتن و آنکارا را پیچیده‌تر کرد. بیابنه و موضع رسمی جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، در اطلاق عبارت نسل‌کشی به کشتار حدود ۱۰۵ میلیون ارمنی به دست حکومت عثمانی در سال ۱۹۱۵ در زمانی اعلام شد که ترکیه و آمریکا سردترین دوران روابط خود را سیر می‌کنند. ایجاد فاصله میان واشنگتن و آنکارا از زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما آغاز شد و در دولت ترامپ

شدت گرفت و با ورود بایدن به کاخ سفید هم هیچ نشانه‌ای از بهبود رابطه این دو متحد سنتی مشاهده نمی‌شود.

بایدن اولین رئیس‌جمهوری آمریکا پس از رونالد ریگان جمهوری‌خواه است که نسل‌کشی ارمنه را به رسمیت شناخت. البته ریگان کمی بعد و با فشارهای دولت ترکیه بیابنه خود را پس گرفت. به این ترتیب تقریباً تمام رؤسای جمهوری ایالات متحده با وجود علم به نسل‌کشی ارمنه از سوی حکومت عثمانی، به دلیل اهمیت حفظ روابط مثبت با ترکیه به‌عنوان متحد سنتی آمریکا در ناتو، از به‌رسمیت‌شناختن این کشتار خودداری می‌کردند اما اکنون دیگر از رابطه مثبت دو طرف اثری نیست. بیابنه بایدن در حالی صادر شد که هفته گذشته بیش از صد عضو کنگره با امضای نامه دو حزبی از بایدن خواستند تا به وعده خود در مبارزات انتخاباتی پایبند باشد و نسل‌کشی ارمنه را به رسمیت بشناسد. پیش از این و در سال ۲۰۱۹ و در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، هر دو مجلس نمایندگان و سنا اقداماتی را برای به‌رسمیت‌شناختن نسل‌کشی به‌عنوان موضع رسمی در سیاست خارجی ایالات متحده تصویب کردند. رجب طیب اردوغان هم که وزارت خارجه‌اش سفیر ایالات متحده را فراخوانده، در واکنش به این موضع‌گیری بایدن ادعا کرد که «ترکیه به دفاع از حقیقت در برابر دروغ نسل‌کشی ارمنه و علیه کسانی که با انگیزه‌های سیاسی از این اتهام حمایت می‌کنند ادامه خواهد داد».

«گونول تول»، مدیر مرکز مطالعات ترکیه در انستیتوی خاورمیانه، درباره این اقدام دولت بایدن در قبال ترکیه که رابطه دو طرف را متشنج‌تر کرد، به

ادامه از صفحه ۲

از ایجاد بوروکراسی عریض و طویل و زمان‌بر برای صدور مجوز سسط که بگذریم، سیاست‌گذار در این ماده به نقش و حضور ذی‌نفعان و ذی‌نفعان اصلی این سیاست عمدا یا سهوا توجه نکرده است. در سطح نهادی، وزارت بهداشت، وزارت رفاه و سازمان بهزیستی در این طرح غایب هستند. وزارت بهداشت مرجع اصلی ذی‌صلاح و متخصص در سیاست‌گذاری‌هایی است که تأمین سلامت جسمی و روحی مردم را بر عهده دارد. وزارت رفاه و سازمان بهزیستی نیز تأمین رفاه و خدمات اجتماعی را بر عهده دارند. انتقادهایی که از سوی هر سه نهاد مطرح شده، نشان‌دهنده آن است که مجلسیان بدون توجه به وظایف تخصصی و حرفه‌ای هر یک از این نهادهای ذیربط، سیاست‌گذاری کرده‌اند و باعث شده‌اند تا استمداد از خانه ملت به شورای نگهبان برده شود. در اینجا سیاست‌گذار بی‌اعتنا به جامعه پزشکی، مددکاران اجتماعی، جامعه‌شناسان، جمعیت‌شناسان و روان‌شناسان، تنها فقها و نهائیات قاضی را مرجع تصمیم‌گیری و داوری قرار داده است. در سطح دیگر، سلب قدرت و حق انتخاب والدین و بی‌توجهی به نقش آنهاست. طبق همین قوانین شرعی کنونی حاکم بر ایران، ولی دم پدر است. قانون‌گذار در اینجا هیچ توجهی به نقش و جایگاه پدر حتی مطابق شرع نیز نکرده است؛ اما طنز تلخ چنین سیاستی این است، آنجا که مادر چنین را سقط می‌کند، دی‌هاش به پدر تعلق می‌گیرد. بگذریم از آشفتگی و تضارعاتی که در نتیجه اجبار دیه توسط مادر به پدر در خانواده ایجاد می‌شود به‌ویژه در وضعیتی که خود مادر تحت تکفل پدر و فاقد درآمد و ثروت برای پرداخت دیه است، اما در این میان نقش و جایگاه مادر به این واسطه که جنین بخشی از وجود اوست و نیز مراقبت فرزند عمدا و دانما بر عهده او قرار دارد، مسئله‌آفرین‌تر و بی‌برکت‌تر است. طبق این ماده ما در یک ماشین تولید پدیده‌ها با هر کیفیتی تقلیل پیدا

جهان



بایدن «نسل‌کشی» ارمنه به دست حکومت عثمانی را به رسمیت شناخت

تمام‌قد در برابر سلطان

آمریکا حدود دو درصد کاهش یافت. «سنان اولگن»، رئیس مرکز مطالعات اقتصاد و سیاست خارجی مستقر در استانبول می‌گوید: «نوسانات بازار در روزهای منتهی به بیابنه بایدن یک نشانه هشداردهنده اولیه درباره چشم‌انداز تشدید تنش میان آنکارا و واشنگتن است. ترکیه می‌خواهد به این موضع رئیس‌جمهور آمریکا واکنش نشان دهد و این امر هم باعث ایجاد تنش‌های سیاسی و آشفتگی و بی‌ثباتی بیشتر بازارهای مالی ترکیه و کاهش بیشتر ارزش پول این کشور می‌شود».

نیاز اردوغان به غرب

برخی از تحلیلگران احتمال می‌دهند که آنکارا می‌تواند با محدودکردن مأموریت‌های غیرناتو در پایگاه هوایی اینچیرلیک در آدانا، به این موضع واشنگتن پاسخ دهد. انجام اقدامات یک‌جانبه در سوریه و نادیده‌رفتن منافع آمریکا هم از دیگر واکنش‌های اردوغان می‌تواند باشد. باین‌حال بسیار بعید است که سیاست‌های ترکیه در اوکراین و افغانستان تغییری کند، چراکه منافع آنکارا با ادامه وضع موجود تأمین می‌شود.

«اوزگور اونلو،هیوسپارچیکلی»، مدیر بخش ترکیه در صندوق مک‌شال آلمن، می‌گوید: «اردوغان مجبور خواهد شد در کوتاه‌مدت واکنش شدیدی نشان دهد، اما عواقب طولانی‌مدت این موضع‌گیری می‌تواند باعث افزایش بی‌اقتصادی به آمریکا در

سلب حق مادری

و جامعه این سیاست لازم است، چرا اکنون سکوت کرده و قرار است با حضور در شورایی به شیوه دیگری خاموش، بدون روح و احساس، در جامعه‌های ماشینی بهشت را زیر پای مادران وعده می‌دهد، ما دنیا را برایش جهنم می‌کنیم و کرامت انسانی‌اش را از او می‌گیریم، مادری که حق انتخاب ندارد مسئولیتی هم ندارد، مسئولیت در مقابل حق انتخاب است. هیچ مادری تا وقتی که مجبور نباشد راضی به سقط جنینش نیست، زجرِ کسی یک مادر هنگام بیماری فرزندش می‌کشد، هیچ‌کس جز خود او درک نمی‌کند، چه رسد به وقتی که هر روز چهره معصوم کودک توان‌خواه، ناقص یا معلول همواره نیازمندی را ببیند که آینه‌ای از درد و زجر پایدار است. هرچند حتی تصمیم برای سقط جنین منروط به تشخیص معلولیت و نقض متحوم، برای یک مادر بسیار دشوار است، همین مهر مادری است که اجازه نمی‌دهد فرزند بیمار، معلول و ناقص یا درد و ناتوانی زندگی کند.

فقیه یا قاضی که تصمیم نهایی با اوست، چه معیارهایی برای تشخیص حرج مادر دارند. مسئولیت زجر کودک را کدام‌یک خواهند پذیرفت. قانون‌گذار که گوئی درکی از مادری ندارد، اینجا سکوت کرده و این‌را در نظر نمی‌گیرد که خانواده با وجود مادری توانمند و سالم تعالی پیدا می‌کند. وقتی مادر، پدر و حتی فرزندان دیگر هم به لحاظ جسمی و هم روحی تحت فشار نگهداری از یک کودک توان‌خواه و ناقص هستند، کودکی که تا پایان عمر مراقبتش عمداً بر عهده مادر است، خانواده چگونه تعالی می‌یابد. کیفیت زندگی افراد توان‌خواه یا معلول و ناقصی که حتی در دهه‌های سوم، چهارم و پنجم زندگی‌شان باید از آنها مراقبت شود و والدین و به‌ویژه مادر به دلیل کوهلست نمی‌توانند مراقبت لازم را انجام دهد، کاملاً گویای وضعیت بی‌رحم خانواده‌هاست. شرع اینجا چه می‌گوید؟ فقهایی که سال ۱۳۸۴ با تأیید سقتمدرامانی فتوا دادند، الان چه می‌گویند؟ اگر آنها آن موقع تشخیص داده‌اند که این حفظ سلامت خانواده

در این زمینه هم سیاست‌گذار و هم مجری سیاست مسئولیت و تکلیف گسترده‌ای دارند و باید پاسخ‌گو باشند. ورود فقها به جای متخصصان تبعات و اثرات سیاست را متوجه خود آنان خواهد کرد. وقتی حمل جنین ناسالم یا دیگر مشکلاتی که پزشک تشخیص می‌دهد یا با به‌دنی‌آوردن فرزند ناقص و توان‌خواه جسمی و روحی، ماد را در خطر است، افزایش جمعیت و جوانی جمعیت موضوعاتی فرعی برای مادران و خانواده‌ها است. سیاست‌گذار باید بداند پیش از جوانی جمعیت، سلامت روحی و جسمی مادران، خانواده‌ها و جامعه ایران است که در اولویت است و جنین طرحی اینها را به مخاطره می‌اندازد. در همه جا امر پذیرفته و جافتاده‌ای است که افزایش جمعیت در کنار رفاه اجتماعی دیده می‌شود. پیامد سیاست دستوری و ظاهرالصلاح «جوانی جمعیت و حمایت خانواده» که پیش‌تر تحت عنوان «جوانی معلولان قابل دسترس و استفاده است؟ توان‌خواهان ما معلول و خانواده‌های ناتوان و مستاصل است. آنان که سرخوشانه به توهم جوانی جمعیت و تعالی خانواده تصمیم گرفتند، بعد از به‌دنی‌آمانی کودک توان‌خواه، معلول و ناهنجار کجا هستند؟ بار عاطفی و مالی که خانواده باید تحمل کنند، آن هم در شرایطی که دولت با وجود نهادهای عریض و طویل‌ش پاسخ‌گوی جوانان جوانی کار نیست و هنوز در قرن بیستم‌ویکم از ارائه خدمات اجتماعی به افراد سالمش وامانده، چطور می‌خواهد مسئولیت مراقبت سالانه هزاران کودک توان‌خواه و ناهنجار را برعهده بگیرد. این‌طرح که با اهداف خودش هم در تضارش است، بیش از آنکه «حمایت خانواده» باشد «انهدام خانواده» رنج‌دیده ایرانی است. عناوین فرینا و ذهن‌پرکن برای این طرح نمی‌تواند رنجی که یک کودک توان‌خواه، معلول و ناهنجار در طول زندگی‌اش خواهد کشید و دردی را که پدر و مادر با دیدن و مراقبت هرروزه فرزندشان تحمل می‌کنند، بیوشاند. این غیر از عسر و حرجی است که خانواده‌ها به دلیل تقبل هزینه‌های کمرشکن مراقبت و سلاست برای فرزندشان باید تحمل کنند. شواهد منتشرشده در رسانه‌های جمعی حاکی از آن است که مخالفان «سقتمدرامنی» بی‌توجه به نقش پزشکان متخصص و جامعه پزشکی و با به‌کار بستن مفاهیم تهییج‌کننده‌ای مانند «کشتن جنین» به جای «سقط جنین» و یا با این ادعا که «تجویز پزشکان غیراستاندارد و غیرمتقن است»، درصد هستند سیاست سست‌نپیان و غیر متنقض‌شان را به هر طریق پیش ببرند. و تاکنون

جامعه ترکیه شود و این امر ملی‌گرایی و دشمنی با آمریکا را تقویت خواهد کرد.

به‌همین‌دلیل اردوغان کاری نخواهد کرد که رابطه دو طرف در بلندمدت با تنش روبه‌رو شود. این تحولات در درازمدت حتی ممکن است به نتیجه مثبتی در روابط دو جانبه منجر شود، زیرا پس از بحث و جدال درباره نسل‌کشی ارمنستان، آنکارا و واشنگتن می‌توانند این موضوع را یک بار برای همیشه پشت سر بگذارند و سرمایه‌گذاری‌های دیپلماتیک خود را برای حل دیگر چالش‌های موجود میان دو طرف افزایش دهند».

«جان هرست»، مدیر مرکز اوراسیا در شورای اتلانتیک که بیش از سه دهه در وزارت امور خارجه آمریکا خدمت کرده هم معتقد است که این موضع‌گیری در نهایت هیچ ضربه‌ای به همکاری دو طرف در ناتو نخواهد زد. او به هیل می‌گوید: «زمان این موضع‌گیری حاکی از اهمیت حفظ روابط ایالات متحده و ترکیه برای جو بایدن است. من فکر می‌کنم یک نکته جالب درمورد مقام‌های خارجی وجود دارد و آن هم اینکه آنها از یک چیز بیش از شنیدن سخنان رک و صریح از واشنگتن نگران می‌شوند؛ اینکه نادیده گرفته شوند. دولت‌های قبلی واشنگتن به دلیل خطر ایجاد دشمنی با ترکیه مایل‌بی به رسمیت‌شناختن نسل‌کشی ارمنه نداشتند. دولت‌های مختلف در ترکیه برای دهه‌ها به معنای واقعی کلمه این‌گونه وانمود می‌کردند که پذیرفتن چنین چیزی از سوی آنها امری غیرممکن است؛ اما در نهایت ثابت خواهد شد که این‌گونه نیست. این احتمال وجود دارد که واکنش واشنگتن پاسخ‌خیز و این موضع درست دولت بایدن کمی عجلوانه و غیرمنطقی باشد و رابطه دو طرف را حداقل برای مدت کوتاهی پیچیده‌تر کند؛ اما در همکاری‌های ایالات متحده و ترکیه در بلندمدت حفظ خواهد شد. اردوغان در وضعیتی قرار ندارد که بخواهد موضع تند خود علیه واشنگتن را برای مدتی طولانی حفظ کند. تنش‌های اخیر در داخل ترکیه و نیز چالش‌ها بی‌یونان، قبرس و اسرائیل بر سر منابع انرژی در دریای مدیترانه اردوغان را در وضعیتی قرار داده که نیاز به همراهی بیشتر با غرب دارد.»

نگاه

باید از نخستین جنگ سرد پند گرفت

پاتریک کلکبرن - **تحلیلگر ایندپیندنت**

● در نخستین جنگ سرد بین غرب و اتحاد شوروی موضوع بی‌عدالتی و حقوق بشر محوریت فرایندهای یافت که می‌توانست تحول مثبتی باشد اگر استفاده کورکورانه از ارزش آن نمی‌کاست و به ابزار تبلیغات تبدیل نمی‌شد. جوهر چنین تبلیغاتی دستخیزکردن است نه دروغ‌پراکنی یا حتی اغراق‌کردن. مثلاً در این تبلیغات سروکوبگری بسیار ملموس شوروی در اروپای شرقی در کانون توجه قرار می‌گرفت اما در آن زمانمادری خودکامگمان‌بی‌رحم و مورد حمایت غرب در آمریکای جنوبی جایی نداشت. حقوق بشر ازجمله سیاسی است با کاربردی سردستی و مبتنی بر سیاست یک‌بام و دو هوا که البته بسیار مؤثر بود. در فرارسیدن دومین جنگ سرد علیه چین و روسیه باید از نخستین جنگ سرد پند گرفت زیرا همان سازوکارهای تبلیغاتی یک بار دیگر به میدان آمده است. دولت‌های غرب و رسانه‌ها سرکوب مسلمانان اویغور در استان سین‌کیانگ را به یاد نشان گرفته‌اند ولی از سرکوب مسلمانان کشمیری در بخش تحت اختیار هندوستان به ندرت یاد می‌کنند. وقتی روی شهروندان غیرنظامی در شهر ادلب سوریه بمب می‌ریزند، دیپلمات‌ها و رسانه‌ها غوغا به پا می‌کنند ولی مبارزان شهروندان غیرنظامی یمن در حملات هوایی به رهبری عربستان مورد حمایت غرب همچنان در سرخ‌های خرابی جایی ندارد. پرشش مردم ایران است که چرا برخوردشان با دستگیری، سره‌نیست‌شدن و شکنجه‌انبوه کشمیری‌ها این همه با برخوردشان نسبت به سرکوب مشابه با اویغورها فرق دارد؟ تبلیغات‌ها در برابر این پرسش بسیار مطلقه در دفاع از خود دو راهبرد داشته‌اند: نخستین راهبردها این است که ادعا می‌کنند هرکس بپرسد «پس کشمیر یا یمن چه؟» و واقع دارد روش «پس‌چه‌گرایی» را تقویت می‌کند و بابت منحرف‌کردن ذهن از جنابت علیه اویغورها و شهروندان سوریه شایسته سرزنش هستند. فرض غیرمنطقی در چنین نگرشی این است که محکوم‌کردن سرکوب و کشتار در کشوری، منعی برای محکوم‌کردن چنین کارهایی در کشوری دیگر ایجاد نمی‌کند. اما در واقع برپاکندگنان این‌گونه جنگ‌های اطلاعاتی پیش‌دستی می‌کنند تا فقط بدکاری‌های جبهه مقابل در کانون توجه قرار گیرد و بدکاری‌های جبهه خودی زیر پرده سکوت برود. اهریمن‌نمایی کامل دشمنان خودمان دومین راهبرد دفاعی است تا کسی به فکر مقایسه‌کردن خلافکاری‌های آنها با خلافکاری‌های خودمان و دوستانمان نینفتد. این اهریمن‌نمایی یا «دیو‌جلوه‌دادن» دشمن خیلی کارساز است زیرا سبب می‌شود گوش کسی بدهکار حرف‌های طرف مقابل نباشد و خوده‌خود داشته پیش بیاید که کسی حرف‌های آنها را باور نکند. در دهه ۱۹۹۰ بر اساس انبوه شواهد موجود با نوشتن مقالاتی گفتم تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق هر ماه جان هزاران کودک را می‌گیرد. یک دلیل کارساز آن نیز تمایل مردم به خیر و فرشته‌انگاشتن یک طرف و شر و اهریمن‌انگاشتن طرف دیگر در تمامی کشمکش‌ها است. دلیل دیگر هم این است که رسانه‌ها در کل

به دست‌ورکارهای خبری دولت‌ها هم‌راستا هستند و فعلاانه به چنین توهم‌هایی دامن می‌زنند. چون جو بایدن، رئیس‌جمهور، می‌خواهد پس از دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ وجهه بین‌المللی ایالات متحده در نقش پایگاه آزادی و مردم‌سالاری را بازسازی کند دوباره شاهد بازگشت به این راهبردهای اطلاعاتی قدیمی هستیم. برای آنکه آمریکا دوباره در چشم جهانیان کشوری پاک و منزّه جلوه کند باید این تصور را پدید آورد که دوران ترامپ و حمایت‌اواز خودکامگان و انگ‌تورپست‌زدن به هر آن که خوشایند او نبود برهه‌ای انحرافی در تاریخ آمریکا بوده است. این وضعیت در نخستین جنگ سرد هم تریخ داد که اتحاد شوروی با انگشت‌گذاشتن بر وجود بیخ‌نهادی نژادی ایالات متحده موفق شد هواداری ایالات متحده از مردم‌سالاری را بی‌اعتبار جلوه دهد و نقش مهمی در متعاندکردن تصمیم‌سازان واشنگتن ایفا کند که رعایت حقوق مدنی سیه‌بوستان کاملاً با منافع دولت آمریکا همخوانی دارد. همین که «پس‌چه‌گرایی» و «قیاس» در گزارش‌های اسیان‌ها جدا بیفتد دولت ایالات متحده نیز انگیزه نیرومندی خواهد یافت تا به نظامی‌سازی نیروهای پلیس پایان دهد، نیروهایی که تنها در سال ۲۰۱۹ میلادی هزار و چهار نفر را به ضرب گلوله از دا آوردند. این نکته درباره چگونگی رفتار نژادی پلیس هم صدق می‌کند. رقابت قدرت‌های جهانی در دوران جنگ سرد پیامدهای زیان‌بار دیگر آنکه دارد ولی پیامدهای مفید هم دارد. یکی از پیامدهای فراموش‌شده، پرتاب نخستین ماهواره به فضا که در سال ۱۹۵۷ در اتحاد شوروی رخ داد و اسیوتینیک نام داشت. افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری دولت ایالات متحده در آموزش علوم و آموزش کلی بود اما پیش از آن بزرگ‌ترین دست بردارند مگر آنکه خشک‌وخالی متقابل گذشت که در آن حقوق بشر سلاح جنگ‌های اطلاعاتی بود. آیا برای جلوگیری از اتفاقی مشابه در جنگ سرد دوم که اکنون در راه است، کاری می‌توان کرد؟ ساده‌لوحی است اگر گمان کنیم دولت‌ها از بنام‌سازی دشمنانشان و صادرکردن چک سفید برای خودشان دست بردارند مگر آنکه فشار افکار عمومی باعث شود تا به رفتار بهتری وادار شوند. چنین چیزی هم فقط با کنارگذاشتن روش دستخیزکردن در گزارش‌دادن نقض حقوق بشر و اهریمن و مغفور جلوه‌اندان تمامی مخالفان دولت خودی میسر است.

● **عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و تحلیلگر سیاست اجتماعی**